



«روزگار جوانی» از این نظر جذاب است که تقریباً به همه مسائل نسل جوان در همه دوره‌های تاریخ معاصر می‌پردازد. از مسائل عاطفی و خانوادگی گرفته تا انتخاب همسر و ازدواج و جست و جوی شغل مناسب و کسب درآمد و زندگی دانشجویی

گروه کوچک دوستی پیش می‌آید، فقط با حضور جمع و طی همکاری همه آنها مشکل حل می‌شود، اشاره‌ای به اهمیت وحدت و انسجام ملی است.

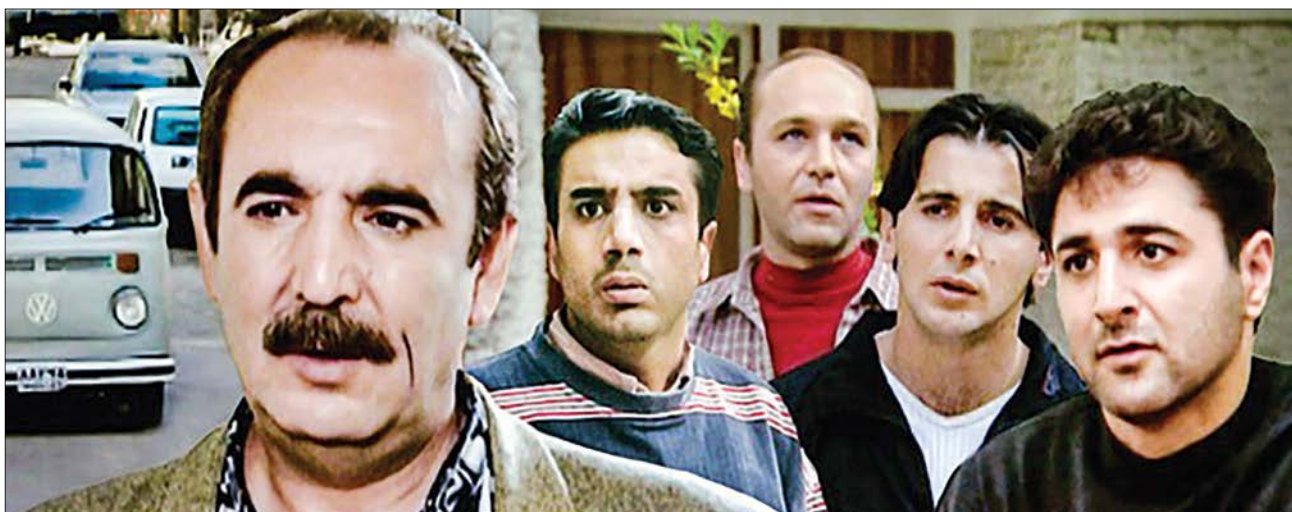
اما جدای از این موضوع روزگار جوانی از این نظر جذاب است که تقریباً به همه مسائل نسل جوان در همه دوره‌های تاریخ معاصر می‌پردازد. از مسائل عاطفی و خانوادگی گرفته تا انتخاب همسر و ازدواج و جست و جوی شغل مناسب و کسب درآمد و زندگی دانشجویی و شب‌های امتحان پایان ترم و... یعنی همان طور که جوان دهه ۷۰ خودش و مسائل و دغدغه‌هایش را در آن سریال می‌دید، نسل جوان امروز هم می‌تواند بخشی از این مسائل را ببیند و درک کند.

این سریال در سال‌های ۷۷ و ۷۸ طی دو فصل تولید و پخش شد. فصل سوم این سریال پس از ۲۲ سال در سال ۱۴۰۰ تولید شد و روی آنتن رفت، اما موفقیت قبل را تکرار نکرد. دلیلش هم این است که در فصل اول و دوم روزگار جوانی، همه آدم‌های داستان، شخصیت پردازی شده بودند و مخاطب به طور عمیقی با آنها احساس همراهی و همذات پنداری می‌کرد. اما در فصل سوم، شخصیت‌هایی تخت و سرد و بدون پرداخت درست به تصویر کشیده شدند و خاطره خوب این سریال توسط فصل جدیدش زنده نشد. به همین دلیل هم جمله معروف «جوانی کجایی که یادت بخیر» که معمولاً از زبان کهنسالان می‌شنویم را درباره خود این سریال و خاطرات و لحظات خوبی که برای مردم ایجاد کرد هم باید گفت.

نکته مهم دیگر این است که این سریال از جمله آثار شاخص شبکه پنج - که در آن زمان شبکه تهران گفته می‌شد - محسوب می‌شود. شبکه‌ای که در دورانی، سریال‌های خوب و پر بیننده‌ای مثل روزگار جوانی را تولید و پخش می‌کرد. اما این شبکه سال‌هاست که دیگر چنین مجموعه‌هایی را نساخته است. باید یک بررسی و آسیب‌شناسی صورت بگیرد که چه چیزی باعث شد شبکه پنج از دوران اوج خود فاصله بگیرد و دیگر نتواند چنین آثاری را به نمایش در بیاورد؟

نگاهی به مجموعه «روزگار جوانی»

جوانی کجایی که یادت بخیر!



از آنهاست. این سریال اولین بار در سال ۷۷ از شبکه تهران (پنج) به نمایش درآمد.

روزگار جوانی نمایی از نسل جوان دانشجوی ایرانی در دهه ۷۰ خورشیدی است. جوانانی که هر یک برآمده از یک بخش و قومیت ایران زمین، نماد و نمودی از کلیت جامعه ایرانی هستند. آنها گرچه هر یک زندگی شخصی و روحیات و تمایلات خاص خودشان را دارند، اما همه‌شان ساکن یک خانه هستند و سرنوشت‌شان به هم گره خورده است؛ دقیقاً مصداق بیت معروف «چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار!» این که در طول روایت سریال می‌بینیم هر وقت بحران یا مشکلی برای یکی از اعضای این

را اعلام کردند. در کنار آنها هنرمندان دیگری چون نصرا... رادش، بهزاد خداویسی، بیوک میرزایی و... نیز نقش آفرینی می‌کردند و یک ویتترین متنوع و جذاب از بازیگران را شکل می‌دادند.

در خلاصه داستان این سریال آمده است: پنج جوان دانشجویی که چهار نفرشان شهرستانی است، با یکدیگر خانه‌ای را اجاره کرده و با هم زندگی می‌کنند. هر یک از این پنج نفر، شخصیت متفاوتی دارند و در هر قسمت با ماجرای تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند، اما در نهایت با کمک هم بر مشکلات غلبه می‌کنند. داستان سریال حول مسائل اجتماعی، روابط شخصیت‌ها و اشاراتی به زندگی هر یک

«روزگار جوانی» یکی از پراقبال‌ترین مجموعه‌های نمایشی سیما در دهه اخیر محسوب می‌شود. این سریال که نسخه اولیه فیلمنامه آن را اصغر فرهادی نوشته بود و توسط شاپور قریب و اصغر توسلی کارگردانی شد، معرفی‌کننده نسلی تازه از بازیگران

جوان سینما و تلویزیون بود. چهره‌هایی چون امین حیایی، کیهان ملکی، مرحومه زهره فکورصبور، مهدی صباپی و... اولین بار با این سریال خودنمایی کردند و به عنوان بازیگرانی توانمند، ورود خود به عرصه سینما و تلویزیون



آرش فهیم
سردبیر فابریک

به بهانه بازپخش «نون‌خ ۳» از شبکه تماشا

کردستان زیبا

می‌پردازند و اقوام را در عناد با ملت نمایش می‌دهند. این نوع فیلم‌ها معمولاً تصویری مطلقاً منفی از اقلیم‌ها و شرایط زیست اقوام نیز به تصویر می‌کشند. هدف اصلی قوم‌گرایی در سینما، جلب توجه جشنواره‌های غربی از طریق نمایش تصاویر اغزوتیک و بیگانه‌پسند و همچنین تفرقه‌افکنی و تجزیه‌طلبی است.

سریال «نون‌خ»، به جای قوم‌گرایی به «قوم‌نگاری» پرداخته است. یعنی به دور از اطوارهای روشنفکرانه و پرهیز از نمایش تصاویر اغزوتیک و جشنواره‌پسندانه، به متن زندگی واقعی و فرهنگ زیبا و سنتی قوم کرد نزدیک شده است. قومی که در کنار سایر اقوام، یک کل بزرگ‌تر به نام ایران اسلامی را می‌سازند و بدون این اقوام، ملت بی‌معنا می‌گردد. کار بزرگ سریال «نون‌خ ۳» همین است که بین ملت و یک قومیت یگانگی ایجاد می‌کند. سرزمین ایران، رنگین‌کمانی از فرهنگ‌ها و رسوم و زیست - بوم‌های مختلف انسانی است؛ «نون‌خ» نیز یکی از رنگ‌های آن را به مخاطب خودش عرضه می‌کند؛ هم به مخاطب کرد حس افتخار به این همه زیبایی‌های می‌بخشد و هم این که این فرهنگ را به دیگر ایرانیان معرفی می‌کند. جوانی که ریشه و

مجموعه تلویزیونی «نون‌خ» طی سه فصل به کارگردانی سعید آقاخانی به ماجراهای نورالدین خانزاده و اقوام دور و نزدیکش در استان کردستان می‌پردازد. این سریال طی سال‌های اخیر به مناسبت عید نوروز از شبکه یک سیما پخش شد. فصل سوم «نون‌خ» این روزها در حال بازپخش از شبکه تماشا است.

«نون‌خ ۳» به دلیل توجه به کم‌دی موقعیت و استفاده بجا و محترمانه از لهجه و فرهنگ زیبایی کردی موجب شادی و لذت فرهنگی مخاطب می‌شود. این سریال همچنین به بازنمایی همبستگی و اتحاد مردمی در مقابل چالش‌ها و مشکلات توجه کرده و تاثیر مثبتی بر انتقال ارزش‌ها و میراث قوم کرد به نسل جدید و از ورای آن وحدت ملی دارد.

قوم‌گرایی یکی از جریان‌هایی است که سال‌هاست با مدیریت جشنواره‌های غربی و جریان‌های اپوزیسیون در سینمای ایران پیش می‌رود «قومیت‌گرایی» است. یعنی نوعی از فیلم‌ها که به ترویج تقابل مرکز و حاشیه



زیست اقوام هستند، موجب افزایش گردشگری و مسافرت به این مناطق می‌شوند و به طور خود به خود، تعامل و ارتباط مردم در دیگر نقاط و مناطق با این اقوام بیشتر می‌گردد و نتیجه مستقیم چنین رفت‌وآمدهایی، تقویت اتحاد ملی است. ضمن این که اقوام وقتی ببینند صداسیمای مرکزی کشورشان به آنها بیشتر توجه می‌کند، ناخودآگاه احساس تعلق بیشتری به ملت خود پیدا می‌کنند.

اصلیتش کرد است، از آداب و رسوم، پوشش، موسیقی و طبیعت شگفت‌انگیز و باابهت مناطق کردنشین آگاه‌تر می‌گردد.

به همین دلایل حتی می‌توان «نون‌خ» را یک سریال راهبردی در زمینه مبارزه با تجزیه‌طلبی و قومیت‌گرایی و در جهت تحکیم وحدت ملی دانست. حداقل کارکرد راهبردی آثاری مانند «نون‌خ» این است که به دلیل نمایش جلوه‌های اقلیمی و طبیعی مناطقی که محل